

An overview of the necessity of participation in strategic spatial planning

مروری بر ضرورت مشارکت در برنامه‌ریزی راهبردی فضایی

Sobhan Baghi

B.Sc. Student, Faculty of Architecture and Urbanism, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran

Zeinab Adeli *

Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran

Amirhossein Faraji

B.Sc. Student, Faculty of Architecture and Urbanism, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran

Sajjad Cheraghbabadi

B.Sc. Student, Faculty of Architecture and Urbanism, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran

سبحان باقی

دانشجوی کارشناسی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

زینب عادل‌ی *

استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

امیرحسین فرجی

دانشجوی کارشناسی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

سجاد چراغ‌آبادی

دانشجوی کارشناسی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

*Corresponding author's email address:

adeli@arc.ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱

How to cite this article:

Sobhan Baghi, Zeinab Adeli, Amirhossein Faraji, Sajjad Cheraghbabadi, An overview of the necessity of participation in strategic spatial planning, *Journal of Engineering and Construction Management (JECM)*, 2022; 6(4):15-22.

ارجاع به مقاله:

سبحان باقی، زینب عادل‌ی، امیرحسین فرجی، سجاد چراغ‌آبادی، مروری بر ضرورت مشارکت در برنامه‌ریزی راهبردی فضایی، مهندسی و مدیریت ساخت، ۱۴۰۰، ۶ (۴): ۱۵-۲۲.

Abstract

Nowadays, the importance of participation in affairs is obvious to everyone, but it seems that this importance is less paid and ignored in urban plans and programs in Iran. Also, according to the current debate in the world regarding the realization and implementation of projects, in this research, which is a review of the previous literature, with a review of the theories and methods of participation and a comprehensive look at this topic, the importance and necessity of participation is summarized and reviewed.

Keywords

Participation, planning, citizen

چکیده

امروزه اهمیت مشارکت در امور بر همگان آشکار بوده، لیکن به نظر می‌رسد در طرح‌ها و برنامه‌های شهری در ایران به این مهم کمتر توجه شده و نادیده گرفته می‌شود. همچنین با توجه به بحث روز دنیا در راستای تحقق‌پذیری و اجرایی بودن پروژه‌ها در این پژوهش که از نوع مرور بر ادبیات پیشین بوده، با مروری بر نظریه‌ها و شیوه‌های مشارکتی و نگاهی جامع به این مبحث، به جمع‌بندی و مرور اهمیت و ضرورت مشارکت پرداخته می‌شود.

کلمات کلیدی

مشارکت، برنامه‌ریزی، شهروند

اهمیت و ضرورت مشارکت در ایران همچنان با عدم تحقق برنامه‌ریزی مشارکتی و عدم مشارکت شهروندان مواجه هستیم لذا اهمیت مطالعه و تشریح این مبحث دوچندان می‌شود.

۲- چارچوب نظری

۲-۱- برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی عبارت است از داشتن برنامه برای رسیدن به اهداف پیش‌بینی‌شده و فرایندی که دارای مراحل مشخص و هم‌پایه‌شده برای تولید یک خروجی منسجم است. به بیان ساده و عام، برنامه‌ریزی

۱- مقدمه

مشارکت در جامعه محلی به معنی فرایند به‌کارگیری توانمندی‌های فردی یا گروهی ذینفعان برای دستیابی به یک هدف گروهی است. در این فرایند، رفتار آگاهانه، خواست جمعی، پذیرش جمعی، انتخاب و وجود نیازهای مشارکت اهمیت دارند. آنچه در یک فرایند مشارکت موفق مهم است احساس نیاز به همکاری گروهی با توجه به میزان دانش و توانمندی افراد و شناخت آنان از توانایی‌ها و امکانات موجود و حداکثر استفاده از آن‌هاست. با توجه به این‌که علی‌رغم آگاهی از



6 (4) , 2022

دوره ۶، شماره ۴

زمستان ۱۴۰۱

فصلنامه پژوهشی



۲-۱-۳- ویژگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی

۱. برنامه‌ریزی راهبردی، انعکاسی از ارزش‌های حاکم بر جامعه است. جهان‌بینی‌ها، اعتقادات و سنت‌های جامعه یا سازمان در برنامه‌ریزی راهبردی منعکس می‌شود.
۲. برنامه‌ریزی راهبردی معطوف به سؤالات اصلی مسائل اصلی سازمان‌ها است. سؤالاتی از این قبیل که ((برنامه‌های امروز سازمان چیست و برنامه‌های آتی چه باید باشد؟ و امروز کجا هستیم و جهت‌گیری‌های آینده چیست؟)) در برنامه‌ریزی راهبردی مطرح می‌شود.
۳. برنامه‌ریزی راهبردی با مطرح ساختن اهداف بلندمدت و تبیین رسالت‌های سازمان، مدیران را در انجام فعالیت‌هایشان هم‌جهت و هماهنگ می‌سازد.
۴. برنامه‌ریزی راهبردی، عملیات و اقدامات سازمان را در دوره‌های زمانی طولانی هماهنگ نموده و به آن‌ها پیوستگی و انسجام می‌بخشد.
۵. برنامه‌ریزی راهبردی در سطوح عالی سازمان شکل می‌گیرد، زیرا در این سطح است که تقریباً به‌طور همه‌جانبه‌ای اطلاعات لازم در مورد امکانات، منابع سازمان، انتظارات و توقعات از آن متمرکز است.
۶. برنامه‌ریزی راهبردی، فراگیر بوده و برنامه‌های عملیاتی سازمان را در برمی‌گیرد و به آن‌ها جهت می‌بخشد.
۷. برنامه‌ریزی راهبردی، امکانات و محدودیت‌های داخلی و خارجی سازمان را مدنظر دارد و با توجه به آن‌ها پیش‌بینی‌های خود را انجام می‌دهد [۳].

۲-۲- مشارکت

تاکنون تعاریف مختلفی از مشارکت به شرح ذیل ارائه گردیده: به معنای حضور بی‌واسطه مردم در آن دسته از پویای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که بر زندگی آن‌ها تأثیر دارند. (برنامه عمران سازمان ملل)

نوعی توزیع مجدد قدرت است که به سبب آن شهروندانی که در حال حاضر در فرایند سیاسی و اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند قادر شوند تا به تدریج در آینده در فرایندهای مذکور شرکت داده شوند. (شری آرنشتاین)

مفهوم مشارکت شهروندی ارتباط مستقیم با مفهوم دموکراسی دارد و اهمیت آن زمانی محرز می‌شود که شهروند فعال در شهر تجلی می‌یابد و فعالانه در شهر تلاش می‌کند و آینده شهر برایش مهم تلقی می‌شود [۴]. دوتوکویل مشارکت را وجهی ضروری در جوامع شهری می‌داند و بر این باور است که سنت مشارکت، جامعه شهری را زنده نگاه می‌دارد و پیوندهای اجتماعی را محکم‌تر می‌سازد. رابرت پاکنام از دیگر مدافعان سرسخت این ایده است که مشارکت، منجر به مردم‌سالاری و در نتیجه جامع‌های بهتر می‌گردد [۵]. کمیسیون اسکفینگتن در گزارش خود در سال ۱۹۶۹، برنامه‌ریزی را این‌گونه تعریف می‌کند: «برنامه‌ریزی حوزه‌ای است که نیازمند مشارکت است». [۶]. کانینگهام مشارکت شهروندی را فرایندی

کوششی سازمان‌یافته و آگاهانه برای انتخاب بهترین وسایل ممکن به‌منظور رسیدن به اهداف در مدت‌زمان معین است و به معنای اندیشیدن و تنظیم پیشاپیش امور، قبل از بروز وقایع و رویدادهاست. برنامه‌ریزی فرایند ذهنی و عملی مجموعه‌هایی از تصمیم‌گیری‌های سنجیده‌ای است که بر اساس قیودات کمی، کیفی، زمانی و مکانی شیوه دخالت انسان را در موضوعی مشخص بیان می‌کند. برخی از نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی را از دیدگاه خودشان بیان کرده‌اند. به‌طور مثال چدویک برنامه‌ریزی فرایندی درباره فکر کردن و جامه عمل پوشاندن به آن می‌داند. فالودی می‌گوید برنامه‌ریزی یک روش علمی هرچند ابتدایی برای سیاست‌گذاری به‌منظور افزایش ارزش محیط‌زیست است. نظر پیرمسه در مورد برنامه‌ریزی این است که برنامه‌ریزی، مجموعه‌هایی از اعمال همساز و به‌هم‌پیوسته است؛ و در آخر فریدمن بیان می‌کند که برنامه‌ریزی فعلیتی است که جامعه تلاش می‌کند تا به‌وسیله آن بر خویشتن کنترل داشته و آینده را بر پایه عقل‌پیزی نماید [۱]. عناصر برنامه‌ریزی شامل هدف، زمان، منابع و اجرا است که مفهوم اصلی آن زمان و مهم‌ترین عنصر آن نیز، هدف است. مراحل آن عبارت‌اند از جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل، ارزشیابی، تعیین اولویت‌ها، برنامه و اجرا. فرایند برنامه‌ریزی دارای مراحل جمع‌آوری آمار و اطلاعات، طبقه‌بندی، ارائه راه‌حل‌های مختلف است.

۲-۱-۲- برنامه‌ریزی شهری

در این نوع برنامه‌ریزی با توجه به اقتصاد و عملکرد عوامل شهر، نحوه استفاده از اراضی شهر، محله بندی مسکن، ترافیک، فضای سبز و... در رابطه با جمعیت و فونکسیون شهر مورد بررسی قرار می‌گیرد [۳].

۲-۱-۲- مفهوم برنامه‌ریزی راهبردی

برنامه‌ریزی راهبردی به‌خودی‌خود هدف نیست، بلکه تنها مجموعه‌ای از مفاهیم است که برای کمک به مدیران در تصمیم‌گیری استفاده می‌شود. برنامه‌ریزی راهبردی یک فرایند است. برای آنکه سازمان بدانند به کجا خواهد رفت و اکنون در کجا قرار دارد. سپس آنچه می‌خواهد باشد را به‌درستی تعریف کرده و چگونگی رسیدن به آن جایگاه را مشخص نماید [۲]. فرایند برنامه‌ریزی راهبردی اساساً فرایندی هماهنگ‌کننده بین منابع داخلی سازمان و فرصت‌های خارجی آن است. در واقع برنامه‌ریزی راهبردی را می‌توان نوعی برنامه‌ریزی در محیط‌های پویا قلمداد نمود که از طریق مدیران ارشد اجرایی و تیم‌های برنامه‌ریزی به‌صورت گروهی تهیه می‌گردد و به مدیر کمک می‌کند تا تصویر روشنی از سازمان و هدف‌های آن به دست آورد و فعالیت‌های سازمان را در لوای راهبردی یکسان هماهنگ سازد.

بنابراین برنامه‌ریزی راهبردی به حفظ کلیت شهر و ایجاد تعادل پویا میان روندهای اصلی توسعه کالبدی و اقتصادی-اجتماعی درازمدت نظر دارد و برنامه‌ریزی برای عرصه‌های جزئی و فرعی را به عهده طرح‌های مشخص و شرایط خاص زمانی و مکانی آن‌ها و اجرای تدریجی واگذار می‌کند [۱]. لازم به ذکر است که یکی از ارکان برنامه‌ریزی راهبردی مشارکت است.

تعریف می‌کند که در آن افراد در تصمیم‌گیری‌های مربوط به جامعه، تمرین قدرت می‌کنند [۷].

سانوف معتقد است که مشارکت مردمی به معنای همکاری مردم در دنبال کردن اهدافی است که خود آن را تعریف کرده‌اند [۸]. همچنین از مهم‌ترین اصول کار مشارکتی می‌توان گفتگو، شفافیت، یادگیری مشترک، احترام به تنوع و تفاوت‌ها، انعطاف‌پذیری، توانمندسازی یا توانمند شدن، تنوع، اعتماد، عدالت و انصاف را نام برد. مشارکت در برنامه‌ریزی و طراحی شهری می‌تواند به اشکال و در جهت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی صورت پذیرد.

مشارکت اقتصادی به معنای حضور و همکاری آگاهانه اقشار مردم در جهت تولید، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بیش‌تر و مطلوب‌تر است. یکی از نمونه‌های مشارکت‌های اقتصادی، سازمان‌های خودیاری هستند، تشکیلاتی که در جهت تقویت توان اقتصادی اعضا با اتکا به کوشش‌ها و ابزار خود آنان عمل می‌کند. مشارکت اجتماعی نیز مفهوم گسترده‌ای است که متضمن انواع فعالیت‌های فردی یا اجتماعی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های دستگاه‌های عمومی است. مشارکت‌های اجتماعی دلالت بر گروه‌هایی مانند انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌های غیردولتی دارد. این مشارکت از متن مردم می‌آید و عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی را شامل می‌شود. از طرفی مشارکت سیاسی، مشارکت در فرایند قدرت و انتخاب مسئولان و مداخله در امر تصمیم‌گیری در نظام سیاسی است. به عبارت دیگر، فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری است؛ و در آخر، مشارکت فرهنگی به معنای شرکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه افراد، گروه‌ها و سازمان‌های یک جامعه در ابعاد گوناگون زندگی فرهنگی آن جامعه به منظور گسترش توسعه پایدار، متوازن و همه‌جانبه زندگی فرهنگی است. از سودمندی‌های مشارکت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

بهبود کیفیت تصمیم‌گیری: باعث کمک به روشن کردن اهداف و الزامات پروژه یا سیاست‌های بازاندیشی فرضیاتی پنهانی که ممکن بود مانع دیدن مؤثرترین راه‌حل شوند و در نظر گرفتن بدیل‌های جدید و سوای رهیافت‌هایی کهن و جاافتاده‌ای که در گذشته به کاررفته‌اند می‌شود، مردم نیز اغلب صاحب اطلاعات ضروری درباره شرایط موجود یا درباره این‌که چگونه یک تصمیم باید به اجرا درآید، هستند. کاستن از هزینه و تأخیر: اگر مشارکت بخش درست یک جریان تصمیم‌گیری باشد، آنقدر که بعضی‌ها فکر می‌کنند، زمان‌بر نیست. تصمیم‌گیری‌های یک‌سویه همیشه به سرعت انجام می‌شوند اما اغلب برای اجرا بسیار گران هستند و در موارد متعددی آنقدر مقاومت وجود دارد که هیچ‌گاه به اجرا در نمی‌آیند.

به اجماع رسیدن: یک برنامه مشارکت عامه می‌تواند یک توافق و تعهد استوار و درازمدت میان طرف‌های مختلف بنا کند. این امر تفاهم میان طرف‌ها را ایجاد می‌کند، ستیزه‌های سیاسی را کاهش می‌دهد و به تصمیمات حکومتی مشروعیت می‌بخشد.

افزایش آسانی اجرا: مشارکت در یک تصمیم به مردم حس مالکیت نسبت به آن تصمیم را می‌دهد و همین‌که تصمیم گرفته شد، آن‌ها می‌خواهند به اجرا درآمدنش را ببینند و نه تنها حمایت سیاسی برای

به اجرا درآمدن تصمیم مذکور وجود دارد، بلکه گروه‌ها و افراد ممکن است حتی مشتاقانه به یاری آن تلاش برخیزند.

پرهیز از مواجهات پرهزینه: مشارکت عامه فرصت‌هایی را برای طرفین پدید می‌آورد تا نیازها و ملاحظات خود را بدون آنکه نیازی به مبارزه‌جویی باشد، بیان کنند. علاوه بر آن مشارکت عامه در آغاز کار می‌تواند احتمال صفا‌آرایی دردناک طرفین را کاهش دهد. در حال، مشارکت عامه جادو نیست و همه ستیزه‌ها را کاهش یا از میان نخواهد برد.

نگهداشت اعتبار و مشروعیت: راه رسیدن به مشروعیت و نگهداشت آن، به‌ویژه زمانی که تصمیمات بحث‌برانگیز باید گرفته شود، دنبال کردن جریان تصمیم‌گیری است که برای مردم روشن و معتبر باشد و آن‌ها را مشارکت دهد. برنامه‌های مشارکت عامه مردم را نیز از دلایل پشت تصمیمات آگاه‌تر خواهد کرد.

پیش‌بینی نگرانی‌ها و گرایش‌های مردم: زمانی که کارکنان سازمانی با مردم در برنامه‌های مشارکت عامه کار می‌کنند، آن‌ها به‌طور روزافزون نسبت به نگرانی‌های مردم و این‌که آن‌ها چگونه به عملیات سازمان می‌نگرند، حساس می‌شوند. این نظرات اغلب درونی شده‌اند و از این‌رو کارکنان درباره واکنش احتمالی مردم نسبت به رویه‌ها و تصمیمات سازمان آگاه‌ترند.

بسط جامعه مدنی: یکی از سودمندی‌های مشارکت عامه، مردم فرهیخته‌تر است زیرا مشارکت‌کنندگان نه تنها درباره موضوع یاد می‌گیرند، بلکه همچنین در این‌باره که چگونه و چرا تصمیمات از سوی حکومت آن‌ها گرفته می‌شود نیز می‌آموزند. مشارکت عامه رهبران آینده را نیز تربیت می‌کند. زمانی که شهروندان در برنامه‌های مشارکت عامه شرکت می‌کنند، می‌آموزند که چگونه بر دیگران تأثیر بگذارند و چگونه ائتلاف تشکیل دهند.

۲-۲-۱- سطوح مشارکت مردمی

با توجه به متفاوت و متغیر بودن عوامل تأثیرگذار بر مشارکت و میزان تحقق آن در موارد مختلف، مشارکت را می‌توان در سطوح مختلف دسته‌بندی کرد که در این مقاله به مهم‌ترین این دسته‌بندی‌ها پرداخته شده است.

۲-۲-۲- چهارچوب کلی مشارکت مردمی

ویلیام همپتون به کمک این چارچوب ارائه شده، سه الگوی مناسب و معقول از چگونگی دخالت و مشارکت مردم در فرایند برنامه‌ریزی ارائه می‌دهد.

• الگوی یک:

الف: انتشار اطلاعات در مورد تصمیم‌های گرفته‌شده، به منتخبان اصلی؛

ب: دریافت بازخوردها در مورد تصمیم‌های گرفته‌شده از منتخبان اصلی؛

ج: تشویق تعامل میان برنامه‌ریزان و مردم، از طریق گفت‌وگوهای گسترده با منتخبان اصلی.

• الگوی دو:

الف: انتشار اطلاعات در مورد مباحث صورت گرفته به منتخبان فرعی؛

- ب: دریافت بازخوردها در مورد دیدگاه‌ها و نظریات مردم از منتخبان فرعی؛
- ج: تشویق تعامل میان برنامه‌ریزان و مردم، به‌وسیله درگیر ساختن گروه‌های منتخب فرعی از طریق گروه‌های تحقیق.
- الگوی سه:
 - الف: انتشار تمامی اطلاعات و جریان آزاد اطلاعات برای عموم؛
 - ب: دریافت بازخوردها در مورد نگرش‌ها و نظریات از عموم مردم؛
 - ج: تشویق تعامل میان برنامه‌ریزان و مردم با نزدیک شدن به عموم مردم [۵].

نردبان مشارکت شری آرنشتاین

از مشهورترین نظریه‌ها در زمینه ی مشارکت مردمی، نظریه نردبان مشارکتی شری آرنشتاین است (جدول ۱)، که در اواخر دهه ۱۹۶۰ مطرح گردیده است. وی مشارکت مردمی را در هشت درجه یا سطح تعریف کرده است که طیفی از فریبکاری تا اختیار کامل شهروندان را در برمی‌گیرد.

جدول ۱ نردبان مشارکت شری آرنشتاین [۵]

درجات قدرت	نوع سطح و دخالت شهروندان	پله‌های نردبان مشارکت شهروندی
محرومیت از مشارکت	تشکیل کمیته‌های فرمایشی	فریبکاری Manipulation
مشارکت	آموزش/درمان شهروندان به‌وسیله صاحبان قدرت	درمان Therapy
مشارکت جزئی	تعیین حقوق شهروندان	اطلاع‌رسانی Informing
مشارکت	دیدگاه‌های شهروندان شنیده می‌شود ولی لزوماً ممکن است موردتوجه قرار نگیرد	مشاوره Consultation
مشارکت	پیشنهاد‌های شهروندان دریافت می‌شود ولی الزاماً بر اساس آن عمل نمی‌شود	آرامش بخشیدن Placation
مشارکت	پذیرش مصالحه و برقراری توازن	شراکت Partnership
قدرت شهروندان	قدرت مدیریت در تمام یا بخشی از برنامه، به شهروندان داده می‌شود.	قدرت تفویض Delegated Power
مشارکت	کنترل کامل در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد	اختیار شهروندان Citizen Control

با این حال انتقاداتی به این نظریه وارد است و عده‌ای بر این باورند که این نظریه به دلیل تعریف رابطه‌ای سلسله مراتبی میان سطوح گوناگون مشارکت در زمینه‌ی برنامه‌ریزی کارایی ندارد؛ زیرا تجربه ثابت کرده که برنامه‌ریزی مشارکت مردمی ممکن است دربرگیرنده عناصری از بخش‌های گوناگون گونه شناسی آرنشتاین باشد و عوامل مختلف ممکن است در این فرایند در سطوح گوناگون قرار گیرند؛ بنابراین بسیار دشوار است که هر مشارکت مشخصی را بتوان در قالب رابطه‌ای سلسله مراتبی ارائه کرد.

گستره چهار سطحی برنز

برنز مشارکت را در چهار سطح یا مهارت طبقه‌بندی کرده است [۸]. آگاهی‌رسانی: این سطح شامل کشف و باز کشف حقایق محیط و شرایط است تا هر کس که در این فرایند مشارکت می‌کند با زبانی

مشترک بر پایه مهارت‌ها در زمینه‌ای که تغییرات پیشنهاد شده است، سخن بگوید.

ادراک: این سطح، نتیجه آگاهی‌رسانی از شرایط به‌منظور فهم آن و نتایج آن است. این بدان مفهوم است که مردم با یکدیگر صحبت و مشورت می‌کنند و بنابراین، ادراک اهداف و انتظارات همه مشارکت‌کنندگان، به منبعی برای برنامه‌ریزی بدل می‌گردد.

تصمیم‌سازی: در این مرحله، مشارکت‌کنندگان بر اساس دو مرحله آگاهی‌رسانی و ادراک، شروع به آفریدن طرح‌های فیزیکی واقعی بر اساس اولویت‌هایشان می‌کنند تا متخصصان با تلفیق گزینه‌ها به برنامه و اجرای نهایی دست یابند.

اجرا: علت عدم موفقیت بسیاری از طرح‌ها این است که درست زمانی که مردم می‌توانند مهم‌ترین نقش را ایفا کنند کنار گذاشته می‌شوند. این در حالی است که مردم باید در تمامی طول فرایند مشارکت داشته باشند، مسئولیت بپذیرند و همپای متخصصان به ایفای نقش بپردازند.

گستره دوسطحی دشلر و سوک

دشلر و سوک، طبقه‌بندی این دوسطحی را در زمینه مشارکت ارائه می‌کنند [۹].

جدول ۲ سطوح مشارکت [۵]

شبه مشارکت	مطیع سازی	Domestication	این سطح شامل آگاهی دادن، درمان و فریب است
مشارکت واقعی	همکاری و یاری همکاری	Assistencialism	این سطح شامل تسکین مردم و مشورت با آنان است
مشارکت واقعی	همکاری کردن	Cooperation	این سطح شامل مشارکت و تفویض است.
مشارکت واقعی	نظارت شهروندی	Citizen control	این سطح به معنای دادن اختیار کامل به شهروندان است

مشارکت شهروندان درجایی که کنترل پروژه را سرپرست پروژه بر عهده دارد، درواقع همان شبه مشارکت است؛ به این مفهوم که در این سطح مردم را جمع می‌کنند تا تنها شونده آنچه قرار است برای آنان برنامه‌ریزی شود، باشد. مشارکت واقعی زمانی محقق می‌شود که قدرت نظارت بر اقدامات و تصمیمات، به مردم داده شود. تفاوت میان گونه‌های مشارکت بسیار مهم است، زیرا مشارکت نیازمند توجه عمیق به رفتارهای ارتباطی در طول فرایند است تا بتواند زمینه تبادل اطلاعات به‌وسیله همه مشارکت‌کنندگان را فراهم آورد.

۲-۲-۳- زنجیره‌ی مشارکت مردم

مشارکت مردمی فرایندی است دربرگیرنده تبادل اطلاعات، مشاوره، تعهد، تصمیمات شراکتی و قدرت شراکتی. در این نقش و میزان دخالت مردم در تصمیم‌سازی از پایین‌ترین سطح (تبادل اطلاعات) تا بالاترین سطح (قدرت و اختیار) افزایش می‌یابد. میان هر یک از مراحل این فرایند نمی‌توان حدومرز قطعی قائل بود. این سطوح با یکدیگر همپوشانی دارند و هر سطح با توجه به سطوح دیگر شکل می‌گیرد.

تبادل اطلاعات: دادن اطلاعات و دریافت اطلاعات.



شکل ۱ سطوح مشارکت [۵]

گستره پنج سطحی IAP2

انجمن بین‌المللی مشارکت مردمی، مشارکت را مطابق جدول ۳ در پنج سطح، طبقه‌بندی می‌کند.

مشاوره: من گوش می‌کنم و حرف می‌زنم شما هم گوش کنید و حرف بزنید.

تعهد/گفت‌وگو: ما صحبت می‌کنیم و یکدیگر را درک می‌کنیم.

تصمیمات شراکتی: ما باهم تصمیم می‌گیریم.

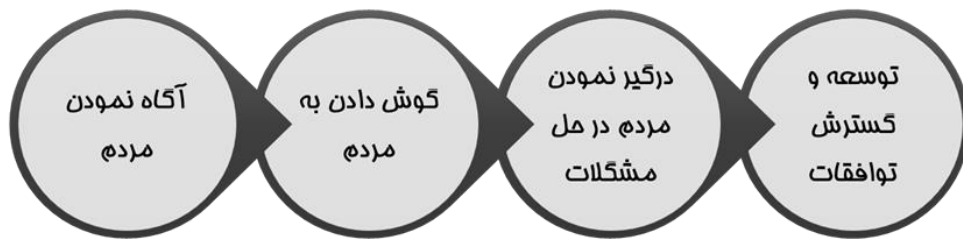
قدرت شراکتی: ما همگی مسئول و پاسخگو هستیم.

گستره چهار سطحی پرسیکولی

پرسیکولی وجه تمایز شیوه‌های مشارکتی را در میزان تأثیرگذاری و سهم مشارکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری‌ها می‌داند. درک این رابطه اهمیت فراوانی دارد، زیرا انتظاراتی همه‌گسائی که در فرایند مشارکت حضور دارند، امری حیاتی است. نکته این نیست که همه تکنیک‌ها باید بر همه تصمیمات مؤثر باشد، زیرا این امر در اکثر مواقع به وقوع نمی‌پیوندد. نکته این است که باید با شیوه‌هایی مناسب با رابطه و کار با مردم مشخص کرد البته این در صورتی است که قرار باشد فرصتی برای موفقیت در فرایند مشارکتی فراهم آید. پرسیکولی مشارکت را در چهار سطح تعریف می‌کند [۵].

جدول ۳ گستره مشارکت IAP2 [۵]

توانمندسازی Empower	همکاری با مردم Collaborate	درگیر ساختن مردم Involve	مشورت Consult	آگاهی‌رسانی Inform	
دادن اختیار تصمیم سازی نهایی به مردم	شریک بودن با مردم در تمامی ابعاد تصمیم‌گیری، شامل تکوین آلترناتیوها و تعیین راه‌حل‌های منتخب	کار مستقیم با مردم در تمام طول فرایند، به‌منظور دادن اطمینان به مردم که نگرانی‌ها و علایق آن‌ها به شکلی مداوم در تمامی فرایند در نظر گرفته خواهد شد	گرفتن بازخوردها از مردم در زمینه‌ی تحلیل‌ها، آلترناتیوها و یا تصمیمات	تأمین اطلاعات جامع و عینی به‌منظور کمک به مردم در فهم مشکلات، گزینه‌ها، فرصت‌ها و یا راه‌حل‌ها	اهداف مشارکت
۱: اجرای تصمیماتی که مردم گرفته‌اند	۱: در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و ابداعات مردم در تدوین راه‌حل‌ها و گنجاندن پیشنهادهای مردم در تصمیمات، در بیشترین حد امکان	۱: کار مستقیم با مردم ۲: در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و خواسته‌ای مردم در آلترناتیوها ۳: گرفتن بازخوردها	۱: آگاه ساختن مردم ۲: گوش کردن به نگرانی‌ها و خواسته‌های مردم ۳: گرفتن بازخوردها	۱: آگاه ساختن مردم	تعهدات مسئولان به مردم



شکل ۲ حلقه مشارکت [۵]

نظریه‌ی پاسخگو (جولز پرتی ۱۹۹۵):

در این مدل که در دهه هشتاد توسط سین مک کوئل مطرح شد، در فرآیند برنامه‌ریزی، تصمیم سازان و تصمیم گیران شهری در برابر مردم پاسخگو و مسئول بوده و مدلی مبتنی بر حق تکلیف در ارتباط با برنامه ریزان و مدیران از یک طرف و مردم و شهروندان از طرف دیگر است در چنین فرآیندی که کاملاً مبتنی بر نظام‌های دموکراتیک و مردم سالارانه است مردم در مفهوم شهروند هم دارای حقوق شهروندی بوده و هم دارای تکلیف در برابر جامعه و حاکمیت و تصمیم

۲-۲-۴- حلقه مشارکت

در مجموع می‌توان گفت که مشارکت واقعی، دخالت مستقیم مردم در فرایند تصمیم سازی است. تجربه نشان می‌دهد مردم زمانی حاضر به مشارکت می‌شوند که تغییرات روشن و شفاف باشند و مشارکت نیز زمانی دارای کارکرد مناسبی است که مستقیم و فعالانه باشد.

گیران در مفهوم مدیران شهری نیز هم دارای حقوق خاص، هم دارای مسئولیت پاسخگویی در برابر مردم هستند این سیستم معروف به "مدیر شهروند" بوده و در مقابل سیستم ارباب‌رعیتی که فقط شهروندان مکلف به پذیرش بوده و فاقد حق می‌باشند قرار می‌گیرد [۱۰].

۲-۲-۵- سطوح مختلف مشارکت مردمی در طرح‌های شهری
دیدگاه‌های مختلف در زمینه مشارکت مردمی وجود دارد که صور متنوعی از مشارکت را محقق می‌سازد. این صور را می‌توان در هفت سطح طبقه‌بندی نمود این هفت سطح که می‌تواند از بالاترین سطح آگاهی اجتماعی یعنی خود - انگیزگی، شروع شود تا شکل بسیار ظاهری و سطحی آن یعنی فریب و صوری عبارت‌اند از:

۱- مشارکت خودانگیزخته

مردم خود مبتکر پروژه بوده، جهت منابع و کمک‌های فنی با نهادهای دیگر تماس می‌گیرند لیکن مردم، کنترل منابع پروژه را همچنان در دست خود حفظ می‌نمایند. در صورت حمایت دولت و نهادهای غیردولتی چنین پروژه‌های می‌توانند به اجرای کامل برسند.

۲- مشارکت تعاملی (کنشی)

مبتکر پروژه یک نهاد خارجی است که در ارتباط با مردم محلی فعالیت می‌نماید. مشارکت به‌عنوان یک حق شهروندی تلقی نشده، تنها وسیله‌ای جهت رسیدن به اهداف پروژه نمی‌باشد. مردم در تحلیل مسائل، تدوین برنامه‌های اجرایی و تشکیل نهادهای اجرایی و مدیریتی مشارکت می‌نمایند. لذا مردم تأثیر زیادی بر نحوه استفاده از منابع است.

۳- مشارکت عملکردی

مشارکت از سوی نهاد خارجی به‌عنوان وسیله‌ای جهت تحقق پروژه، به‌خصوص کاهش هزینه‌ها از طریق ارائه نیروی کار و مدیریت رایگان تلقی می‌شود. برای مثال مردم بعد از این که تصمیمات مهم از سوی نهاد خارجی گرفته شد و اهداف پروژه مشخص می‌شوند. جهت تحقق اهداف تعیین شده، مشارکت می‌کنند، نهایتاً در چنین شیوه مشارکت، مردم در جذب اهداف موردنیاز خارجی، از اهداف خود دست می‌کشند.

۴- مشارکت به خاطر انگیزه‌های مادی

مردم تنها به واکنش نسبت به انگیزه‌های مادی مشارکت می‌نمایند. مثلاً در مقابل عرضه کار، پول و یا غذا دریافت می‌نمایند و یا مثلاً در پروژه‌های خودیاری به‌شرط عرضه نیروی کار و ایجاد ساختمان، زمین و خدمات دریافت می‌نمایند.

۵- اطلاعات دهی و مشورت کردن

نظرات مردم جهت تعیین نیازها و اولویت‌های مردم گرفته می‌شود. لیکن میزان جمع‌آوری اطلاعات و کنترل تحلیل‌ها به‌وسیله نهاد خارجی از طریق تشخیص مسئله و راه‌حل‌های موردنظر معین می‌شود. هیچ قدرت تصمیم‌گیری به مردم داده نشده، بعلاوه مجریان پروژه هیچ تعهدی نسبت به تحقق اولویت‌های مردم به عهده نمی‌گیرند.

۶- مشارکت انفعالی

به مردم گفته می‌شود که چه چیزی انجام خواهد شد؛ بدون اینکه نظرات آن‌ها خواسته‌شده و یا قدرتی در تغییر امور داشته باشند یا بتوانند تغییر در اوضاع ایجاد نمایند
۷- صورت و فریب (ظاهر فریبانه)
تظاهر به مشارکت است که انجام می‌پذیرد. به‌عنوان مثال، نمایندگانی در هیئت‌های رسمی گماشته شده باشند، بدون اینکه این افراد انتخاب‌شده و یا قدرتی داشته باشند

۲-۲-۶- دیدگاه‌های حاکم بر مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی شهری

نظریه همراه ساختن: همراه ساختن ظاهری و صوری مردم در امر مشارکت جهت جلوگیری از ایجاد موانع در اجرا توسط آنان. (مشارکت ایزاری) [۱۰].

نظریه مشورتی: ۱- اطلاع‌رسانی در مورد گزینه‌های موجود، ۲- اخذ نظرات شهروندان، ۳- لحاظ نمودن افکار جامعه [۱۰].

نظریه مدل یادگیری اجتماعی: از مبتکران این نظریه می‌توان جان فریدمن را نام برد که معتقد است باید بین برنامه ریزان به‌عنوان و کلا و مردم به‌عنوان موکلین فاصله‌ها جهت ارتباطات فردی حذف شود [۱۰].

نظریه قدرت جامعه: افراد و جوامعی که به دلایل مختلف از کانون قدرت اجتماعی به دور افتاده‌اند نیز بایستی بتوانند در سیاست‌گذاری‌ها دخالت داشته باشند [۱۰].

برنامه‌ریزی پشتیبان یا وکالتی: پاول دیویداوف معتقد است گروه‌های اجتماعی کم‌درآمد و تهی‌دست بیش از سایر گروه‌ها به یاری برنامه ریزان و مشارکت نیازمندند. (عدالت محور) [۱۰].

برنامه‌ریزی مراوده‌ای یا ارتباطی: این مدل برخلاف یادگیری اجتماعی بر ارتباط بین دو گروه مردم و برنامه ریزان تأکید دارد تا بر سر راه‌حل‌ها به توافق برسند [۱۰].

نظریه هدایت اجتماعی: در این مدل برنامه‌ها از طرف مردم به‌سوی برنامه ریزان هدایت می‌شود و روند آن از پایین به بالا است [۱۰].

نظریه پاسخگو: در مدل شین مک کویل که به مدیر-شهروند نیز معروف است (در مقابل ارباب-رعیت) مردم هم دارای حق و هم دارای تکلیف در برابر جامعه و تصمیم‌گیران نیز دارای حقوق خاص و همچنین دارای مسئولیت پاسخگویی می‌باشند [۱۰].

نظریه کنش موجه: آیزن و فیش بافن اعتقاد دارد که کنش موجه به این معنی است که اکثر رفتارها به این دلیل انجام می‌شود که مردم به نتایج اعمال خود فکر می‌کنند [۱۱].

نظریه جیمز میجلی: ۱. شیوه ضد مشارکتی، ۲. شیوه مشارکت هدایت‌شده، ۳. شیوه مشارکت فزاینده، ۴. شیوه مشارکت واقعی [۱۱].

۲-۲-۷- طبقه‌بندی تکنیک‌های مشارکتی

در راستای تحقق هرچه بیشتر مشارکت می‌توان از تکنیک‌هایی استفاده کرد که اندیشمندان گوناگونی به آنان پرداخته و این موارد را در تقسیم‌بندی‌های گوناگونی مطرح نموده‌اند که در این مقاله به شرح آنان خواهیم پرداخت.



6 (4) , 2022

دوره ۶، شماره ۴

زمستان ۱۴۰۱

فصلنامه پژوهشی



طبقه‌بندی سانوف

سانوف تکنیک‌های مشارکتی را در پنج دسته اصلی طبقه‌بندی می‌کند [۸]:

۱. شیوه‌های آگاه‌سازی نظیر برگزاری نمایشگاه‌ها، رسانه‌های خبری و بازدیدهای پیاده؛
۲. شیوه‌های غیرمستقیم همچون پرسشنامه و نظرخواهی؛
۳. شیوه‌های تعامل گروهی مانند برگزاری کارگاه‌ها و جلسات مردمی؛
۴. شیوه‌های آزاد انعطاف‌پذیر نظیر تلویزیون مشارکتی و طراحی برگه نظرسنجی؛ و شیوه‌های طوفان ذهنی نظیر گالری، برگه‌های یادداشت، تکنیک گروه اسمی و فرایند رینگی.

طبقه‌بندی دوسطحی

کریتون و پریسکولی این تکنیک‌ها را در قالب تکنیک‌های آگاهی‌رسانی نظیر نمایشگاه‌ها و ارائه عمومی طرح، گزارش بلند، فرستادن گزارش‌های مهم فنی یا مدارک مهم زیستمحیطی، بسته‌های رسانه‌ای، کنفرانس خبری، خبرنامه، ضمیمه‌های روزنامه، تبلیغات، معرفی به گروه‌های شهروندی و فنی و مانند این‌ها (و تکنیک‌های مشارکتی) همچون گروه‌های مشاور، تابلوهای اعلانات کامپیوتری، گروه‌های متمرکز، خطوط مستقیم، مصاحبه، گردهمایی‌ها، استماع‌های عمومی، کارگاه‌ها، تلویزیون کابلی / تلویزیون مشارکتی، همه‌پرسی، نظرسنجی، گروه کار و جز این‌ها [۵]

طبقه‌بندی جردن و همکاران

طبقه‌بندی که جردن و همکارانش (۱۹۷۶) از شیوه‌های مشارکتی ارائه کرده‌اند، بدین شرح است:

۱. شیوه‌های انتشار اطلاعات؛
۲. شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات؛
۳. شیوه‌های برنامه‌ریزی نوآورانه؛
۴. شیوه‌های برنامه‌ریزی واکنشی؛
۵. شیوه‌های تصمیم‌سازی؛
۶. شیوه‌های پشتیبانی از فرایند مشارکت.

طبقه‌بندی منطبق بر بسته مشارکت

تکنیک‌های مشارکت مردمی با توجه به سه هدف انتشار اطلاعات، دریافت اطلاعات و ارتقای تعامل میان برنامه‌ریزان و مردم، طبقه‌بندی شدنی است. بدیهی است که تأثیر هر یک از این تکنیک‌ها بر روی هر کدام از این اهداف متفاوت است [۱۲].

طبقه‌بندی انجمن مشارکت مردمی

طبقه‌بندی ارائه‌شده از سوی انجمن مشارکت مردمی، از بهترین و کامل‌ترین طبقه‌بندی‌های تکنیک‌های مشارکتی است که خلاصه آن بدین شرح است [۵]

فن‌هایی برای تبادل اطلاعات

بانک اطلاعات، جلسات توجیهی و اطلاع‌رسانی، پیوست صورت‌حساب تماس‌های اطلاعاتی اصلی، پنل‌ها و میزگردهای تخصصی، گزارش‌های بلند، کیوسک‌های اطلاعاتی، خطوط مستقیم ادارات پاسخگو، پست الکترونیکی، کنفرانس خبری، ضمایم روزنامه، بسته‌های رسانه‌ای، تبلیغات و ابزارهای چاپی، تماس‌های اطلاعاتی فنی، گزارش‌های فنی، سایت اینترنتی، تلویزیون

فن‌هایی برای دریافت بازخورد

برگه‌های نظرخواهی، نظرسنجی‌های کامپیوتری، استفاده از افراد تسهیل‌گر، روش دلفی، نظرخواهی فردی، مصاحبه، نظرسنجی از طریق پست الکترونیکی و پرسشنامه، نظرسنجی تلفنی

فن‌هایی برای جمع‌کردن مردم کنار هم

گپ‌های دوستانه، خانه باز، دادسرای عمومی، همایش‌ها، نمایشگاه‌ها، جلسات عمومی، گروه‌های کار، برگزاری کارگاه، جلسات فضای باز، تورها و سفرهای کاری، گروه‌های مشاور در جریان، گفت‌وگوهای گردشی، کافه‌های جهانی، فرایند تنگ ماهی، گفتگوهای متمرکز، چرخه مطالعه، هیئت‌منصفه شهری، جلسات شهری

۲-۲-۸- موانع و محدودیت‌های مشارکت

- فقدان آموزش شهروندی
- ترکیب ناهمگون فرهنگی اجتماعی شهرها
- عدم ارتباط مدیریت شهری با نسل‌ها
- بی‌ثباتی حرفه‌ای و مکانی و اجتماعی
- عدم شکل‌گیری یا فعالیت مؤثر نهاد های مدنی [۱۱]

همچنین اوکلی و همکاران در کتاب «پروژه‌هایی با مردم»، موانع مشارکت را به سه دسته کلی تقسیم کرده‌اند:

۱. موانع ساختاری:
برای مثال تضاد میان تمرکززدایی نهفته در فرایندهای مشارکتی و تمرکزگرایی سیاست‌گذاری و نظام برنامه‌ریزی کشور.
 ۲. موانع اداری و مدیریتی.
برنامه‌ریزی متمرکز طرح‌ها و پروژه‌های توسعه.
روبه‌های پیچیده و زمان‌بر اداری.
فقدان انعطاف‌پذیری لازم برای فرایندهای متغیر و پویای مشارکتی.
 ۳. موانع اجتماعی:
ذهنیت وابستگی مردم محلی به افراد قدرتمندتر جوامع محلی و بیرونی‌ها؛ کمبود تجربه در مدیریت برنامه‌ها و سازمان‌های محلی.
فقدان اعتمادبه‌نفس لازم برای دست گرفتن ابتکار عمل و تصمیم‌گیری در نتیجه الگوهای «امدادگرانه» دولت.
مشغول بودن اقشار مردم به مسائل معیشتی و کمبود فرصت برای مشارکت.
غفلت برنامه‌ریزی‌ها از تفاوت‌های اجتماعی - اقتصادی درون جوامع محلی.
- عدم سازگاری اقدامات با ساختارهای فرهنگی و ارزشی جوامع محلی [۱۳].

۳- جمع‌بندی

در مواجهه با مشارکت می‌توان دو رویکرد کلی را شاهد بود به‌طوری‌که گروهی مشارکت را وسیله‌ای برای رسیدن به هدفی مشخص می‌دانند و گروهی دیگر نیز خود صرف مشارکت را اصل و هدف می‌دانند. مشارکت بر تمرکززدایی تأکید داشته و با نگاهی کلی می‌توان دریافت در تمامی تعاریف مشارکت به اهمیت نقش مردم و توزیع عادلانه قدرت تصمیم‌گیری برای آینده و آینده‌سازی در سطح جامعه اشاره شده است. از سودمندی‌های مشارکت نیز می‌توان به مواردی چون بهبود کیفیت تصمیم‌گیری، کاستن از هزینه و تأخیر، به اجماع رسیدن، افزایش آسانی اجرا، پرهیز از مواجهات پرهزینه، نگهداشت اعتبار و مشروعیت، پیش‌بینی نگرانی‌ها و گرایش‌های مردم و بسط جامعه مدنی اشاره کرد.

پس از بررسی تقسیم‌بندی‌های مختلف سطوح مشارکت بدین نتیجه می‌رسیم که اصل اساسی در مشارکت، تبدیل پتانسیل بالقوه تصمیم‌گیری و اقدام مردم برای توسعه و ارتقا سطح زندگی خود به بالفعل است و هرچه این شکوفایی بیشتر صورت بگیرد شاهد مشارکت بیشتر، فعال‌تر، اثربخش‌تر و در سطوحی بالاتر خواهیم بود که می‌توان از بالاترین سطح آن به‌عنوان مشارکت حقیقی یاد نمود. مهم‌ترین الزام تحقق مشارکت حقیقی را می‌توان داشتن شهروند به معنای واقعی آن دانست، به‌طوری‌که محل زندگی خود - محله و در مقیاس بزرگ‌تر شهر یا کشور - را جدا از خود ندیده و با نهایت حس تعلق برای بهبود آن تلاش نماید و بر خود وظیفه بداند در قبال حق بر شهر مسئول بوده و تکلیف خود را در مقابل محل زندگی‌اش بجا آورد؛ در این مسیر همچنین می‌توان از تکنیک‌های مختلفی برای تحقق مشارکت بهره برد که به جلب اعتماد و آگاهی‌سازی، فرآیند

مشارکت، اجرایی کردن آن و... پرداخته‌اند؛ اما در این میان نیز عواملی چون فقدان آموزش شهروندی، ترکیب ناهمگون فرهنگی اجتماعی شهرها، عدم ارتباط مدیریت شهری با نسل‌ها، بی‌ثباتی حرفه‌ای و مکانی و اجتماعی و عدم شکل‌گیری یا فعالیت مؤثر نهادها می‌توانند بازدارنده این اتفاق باشند که با رویارویی و حل هریک از آنان به مشارکت حقیقی نزدیک‌تر خواهیم شد.

۴- مراجع

- [۱] فکر بزرگ، کیمیا (۱۳۹۷) جزوه مباحث عمومی شهرسازی ایران
- [۲] برایسن، جان مور (۱۳۸۱)، برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمانهای دولتی و غیرانتفاعی، ترجمه: عباس منوریان، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.
- [۳] مبینی دهکردی، علی؛ سلمانیور خوبی، مجید (۱۳۸۵)، «درآمدی بر برنامه‌ریزی راهبردی و عملیاتی»، نشریه راهبرد یاس، س ۲، ش ۶، ص ۱۸۷ - ۲۰۲.
- [۴] دانشپور، سید عبدالهادی و غفاری‌آذر، زهرا (۱۳۹۹)، طراحی شهری با رویکرد مشارکت همکاری جویانه، از ایده تا طرح (موردپژوهی: میدان هروی تهران)
- [۵] شرفی، مرجان و برک پور، ناصر (۱۳۸۹)، گونه‌شناسی تکنیک‌های مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری، بر مبنای سطوح مختلف مشارکت
- [6] Simpson, Brian (1997) "Towards the Participation of Children and Young People in Urban Planning and Design", Urban Studies Journal, Volume 34, 907-925.
- [7] Caves, Roger & Cullingworth, Barry (2003) Planning in the USA; Policies, Issues & Processes, Routledge.
- [8] Sanoff, Henry (2000) Community Participation Methods in Design and Planning, John Wiley & Sons, INC.
- [9] Deshler, D. & D. Sock (1985) "Community Development Participation, A Concept Review of the International Literature", Paper presented at the International league for social commitment in Adult Education, Ljungskile, Sweden.
- [۱۰] رجیبی، آریتا (۱۳۹۰)، شیوه‌های مشارکت شهروندی در فرآیندهای توسعه‌ی شهری
- [۱۱] خادم‌الحسینی، احمد و عارفی پور، صفیه (۱۳۹۱)، شهرسازی مشارکتی. جایگاه مردم در برنامه‌ریزی شهری
- [12] Hampton, William (1977) Research into Public Participation in Structure Planning, Public Participation in Planning, Edited by Derrick Sewell & Coppock, John Wiley & Sons Ltd, PP. 27 - 42.
- [۱۳] سازمان نوسازی شهر تهران (۱۳۹۴)، مجموعه کتابچه‌های نوسازی و توسعه محلی